Intro

Arash

Yo
توی تخت مقواییم زیر پتوی نقره ایم دراز کشیدم
جرقه میزنه مخم
خودمو درگیر مسیری کردم و میکنم که هیچوقت ازش کنار نمیرم
تو لاینی که آدماش وقتی ازت جلو زدن چراغ نمیدن
و فرشته ای زیبا
تصویری از گذشته ترک من نشسته
میگه بگاز ببینم
پیچ و خم این جاده اونقد زیاده که
دوازده تا امامتم تو رو نجات نمیدن
ترک من نشسته فکرش، تو فکرش اما توی ترک من نشسته
ترکش گرچه سخته اما درکش کرده مغزم
و اون دست از دست من کشیده دست کم یه هفته ست
انفجاری نوری و بعد انقلابی دودی و بعد طعم تلخ بهمن
طعم تلخ بهمن
طعم تلخ بهمن . . .

طعم تلخ بهمن
یه بهمنی لجن
کام میگیره از من و با هرباری که لباشو می ذاره روی لبم
بیشتر حس می کنم که توی وجودش غرقم
من دچار دردم !
من فراری ازین آتیشای زردم؛
آتیشایی که نسل قدمیم روشن کردن و ازش می سوزه کـلّـهَ م
خطّ ا یکی یکی سوختن اما به کی بگی سوختم؟
بنزینی پشت آتیش نی خشک سوختن تک به تک بی مشت کوفتن قبل مرگ
کلنجار با عمل ها توی رشد سوختن نسل من
دیگه کم کم به فیلتر رسیدیم چرا بش میگن قرمز اینگه زرده رنگش
آها ! خون جنگه پس پرده ش؛ هی . . .
هرچی میکشم هست بهمن و از دست بهمن
سه تا بسته شصت تا نخ تو جمع و سه تا کم کن از جمع
بذار جلوی بهمن؛
عا . . . !
بهمن پنجاه و هفت . . .

Tištěno z pisnicky-akordy.cz
Sponzor: www.srovnavac.cz - vyberte si pojištění online!